پارس نامه کودکان - ماهنامه خبری ، پژوهشی ، فرهنگی کودک - سال سوم - شماره ۲۸ - آبان ۱۳۹۱
Parsnameh for Children - No. 28 – November . 2012

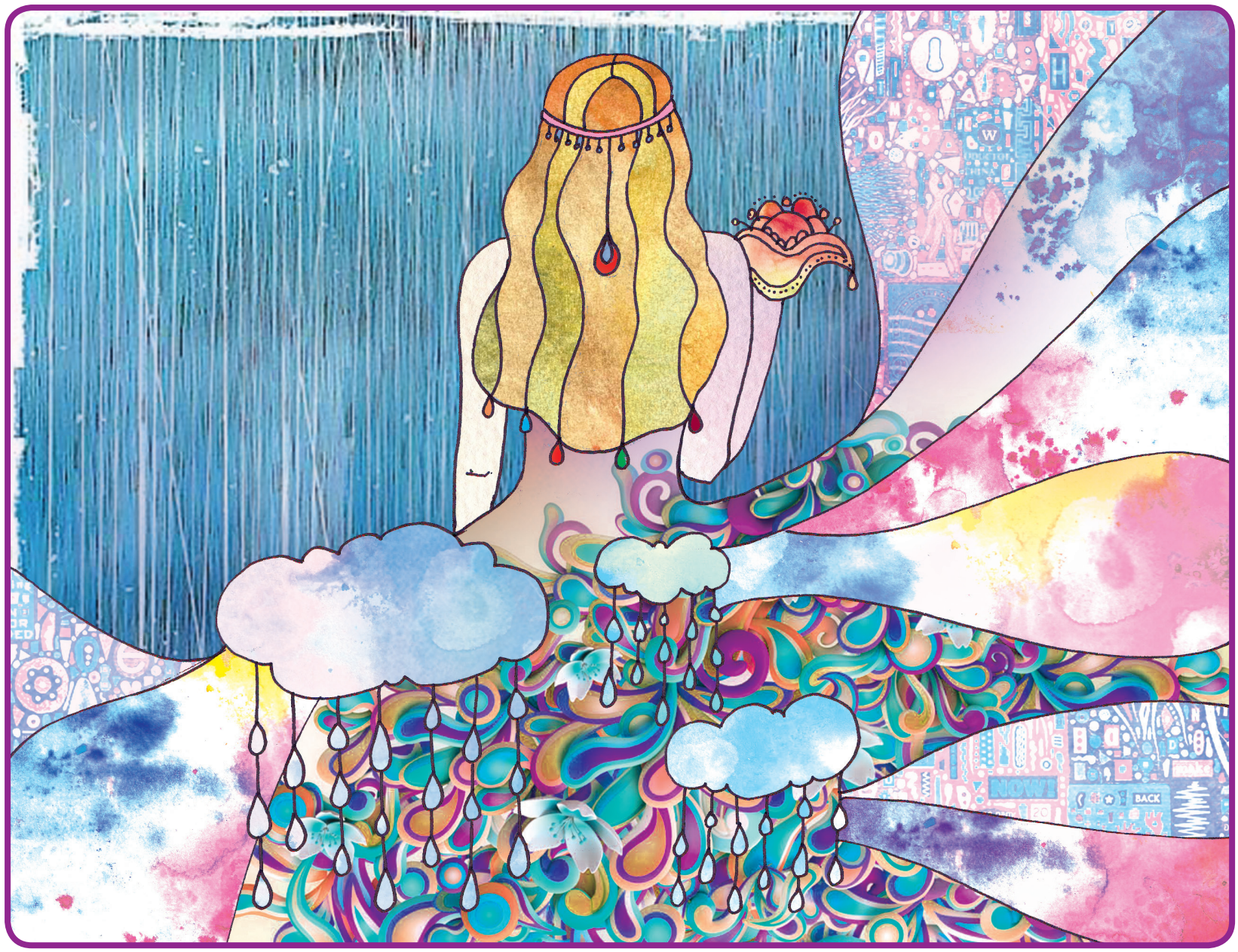

آب آبادانی است

بچه های عزیز چهارم آبان، روز آبان از ماه آبان، جشن آبانگان است. آبانگان یکی از جشن‌های ایرانی است که در ستایش و نیایش ایزدبانو، آناهید که ایزد آب‌های روان است، برگزار می‌شود.

آبان (نام دیگر اردْوی سورَ اَنَهیتَه/اَناهیتا) ایزدْبانوی آبهای روی زمین و نگاهبان پاکی و بی آلایشی در جهان هستی است. آناهیَتا در اسطوره‌های ایرانی، یکی از تابناک‌ترین چهره‌ها و یکی از کارآمدترین نقشْ وَرزان است.

درباره پیدایش جشن آبانگان روایت است که در پی جنگ های طولانی بین ایران و توران، افراسیاب تورانی دستور داد تا کاریزها و نهرها را ویران کنند. پس از پایان جنگ پسر تهماسب که «زو» نام داشت دستور داد تا کاریزها و نهرها را لایروبی کنند و پس از لایروبی، آب در کاریزها روان گردید. ایرانیان آمدن آب را جشن گرفتند. در روایت دیگری آمده است که پس از هشت سال خشکسالی، در ماه آبان باران آغاز به باریدن کرد و از آن زمان جشن آبانگان پدید آمد.
زرتشتیان در این روز همانند سایر جشن ها به آدریان ها می روند و پس از آن به کنار جوی ها و نهرها می روند و با خواندن اوستای آبزور (بخشی از اوستا) که توسط موبد خوانده می شود، اهورا مزدا را پرستش کرده و درخواست فراوانی آب و نگهداری آن را می نمایند و پس از آن به شادی می پردازند.

۲

معبد آرتمیس در افوسوس (ترکیه)

اطلاعات عمومی

بچه های عزیز معبد آرتمیس یکی از عجایب هفتگانه جهان قدیم است

معبد آرتمیس در افوسوس (ترکیه) یکی از زیباترین بناهای ایام گذشته بود . این بنا با داشتن ۱۰۰ ستون مرمری زیبا که ارتفاع هر کدام از آنها به ۱۵ متر می رسد یکی از عجایب هفتگانه به حساب می آید . این معبد فضایی را در بر می گرفت که تقریبا چندین برابر وسعت آکروپلیس در آتن بود . میتوان گفت که معبد آرتمیس صعود و سقوطهای بسیاری را در طی قرنها پشت سر گذاشت . این بنا در ۶۰۰ سال قبل از میلاد ساخته و در ۵۵۰ سال پیش از میلاد در آتش سوخت . بعد از آن مجددا به صورت بسیار زیباتر و عظیمتری باز سازی شد . این بنا برای دومین بار دچار حریق شد البته این بار بطور عمدی توسط فردی بنام هروستراتوس که برای به یاد ماندن نامش به این کار دست زد، ولی این معبد دوباره به اندازه بزرگتر و بسیار بهتر از قبل ساخته شد . این معبد بسیار زیبا درونش با مجسمه های بی نظیر تزیین شده بود . این معبد پا بر جا بود تا زمانیکه بر اثر هجوم بربرها در ۲۶۲ پس از میلاد برای همیشه از صفحه تاریخ محو شد و هرگز دوباره ساخته نشد . آنچه که از این معبد باقی ماند هم توسط زلزله ها کاملا از بین رفت.

داستان یک ظ
آش نخورده

مرد تاجری در بازارچه شهر حجره ای داشت
ولیکن کمی خجالتی بود.
مرد تاجر همسری کدبانو داشت که
را آب می انداخت.
روزی مرد بیمار شد و نتوانست به
جارو کرده بود ولی هر چه منتظ
قبل از ظهر به او خبر رسید
پسری در دکان را بست
دارو نوشت.
پسر بیرون رفت
ولی همسر تاج
همسر تاج
دستهایش
پسر ک
به

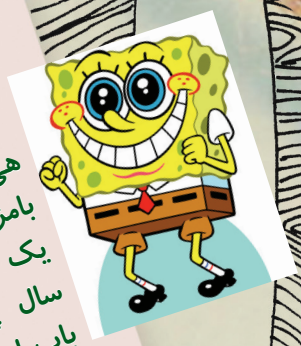

خواندنی هایی درباره جناب «شلوار مکعبی»

هی .جانمی .حتما شما هم مثل من عاشق کارتون بامزه ی باب اسفنجی هستید.این کارتون توسط یک شرکت امریکایی ساخته شده و اولین بار ۱۳ سال پیش به نمایش در آمد.

باب اسفنجی شخصیت اصلی این کارتون یک همبر گر سرخ کن شریف و خوبه که در زندگیش اتفاق های زیادی می افته وماجراهای جور واجوری پیش میاد که اغلب هم به خوبی وخوشی تموم می شه باب اسفنجی یک اسفنج دریاییه که در یک خونه ی آناناسی زندگی می کنه و حلزون دست آموزی به نام «گری» داره .از زندگی کارتونی باب اسفنجی که بگذریم بد نیست کمی هم به دنیای واقعی اسفنج ها سری بزنیم.

بر خلاف باب اسفنجی کارتونی اسفنج های دریایی واقعی اصلا تکان نمی خورند.به یک جا می چسبند و شکل معینی ندارند.اسفنج ها جانورانی هستند که نه می توانند ببینندو نه بشنوند . بدن اسفنج ها دستگاه گوارش و کلا هیچ دستگاهی ندارد. آب و خرده های ریز غذایی از راه سوراخ های روی اسفنج وارد می شود و اسفنج از آن تغذیه می کند.

از اسفنج مرده به عنوان لیف حمام استفاده می کنند.

حالا دست به کار شوید و این نقاشی بی رنگ را خیلی با دقت و زیبا رنگ کنید.

...رب المثل ...و دهن سوخته

...و پارچه می فروخت. شاگرد او پسر خوب و مودبی بود ...تپخت خوبی داشت و آش های خوشمزه او دهان هر کسی ...دکانش برود. شاگرد در دکان را باز کرده بود و جلوی آنرا آب و ...ظر ماند از تاجر خبری نشد.

...که حال تاجر خوب نیست و باید دنبال دکتر برود. ...و دنبال دکتر رفت. دکتر به منزل تاجر رفت و او را معاینه کرد و برایش ...و دارو را خرید وقتی به خانه برگشت، دیگر ظهر شده بود. پسرک خواست دارو را بدهد و برود، ...ر خیلی اصرار کرد و او را برای ناهار به خانه آورد.

...ر برای ناهار آش پخته بود سفره را انداختند و کاسه های آش را گذاشتند. تاجر برای شستن ...ن به حیاط رفت و همسرش به آشپزخانه برگشت تا قاشق ها را بیاورد.

...ن خیلی خجالت می کشید و فکر کرد تا بهانه ای بیاورد و ناهار را آنجا نخورد. فکر کرد ...تر است. بگوید دندانش درد می کند. دستش را روی دهانش گذاشت.

...تاجر به اتاق برگشت و دید پسرک دستش را جلوی دهانش گذاشته به او گفت: دهانت سوخت؟ حالا چرا اینقدر عجله کردی، صبر می کردی تا آش سرد شود آن وقت می خوردی؟ زن تاجر که با قاشق ها از راه رسیده بود به تاجر گفت: این چه حرفی است که می زنی؟ آش نخورده و دهان سوخته؟ من که تازه قاشق ها را آوردم.

تاجر تازه متوجه شد که چه اشتباهی کرده است.

از آن پس، وقتی کسی را متهم به گناهی کنند ولی آن فرد گناهی نکرده باشد، گفته می‌شود: آش نخورده، دهن سوخته.

لطیفه های خنده دار

- به یک نفر میگن: توی عمرت، سخت‌ترین کاری که کردی چی بوده؟ میگه: پر کردن نمکدون!
میگن: چرا؟
جواب میده: آخه سوراخ‌هاش خیلی ریزه
- حیف نون پشه بند می خره، تاصبح نمی خوابه پشه ها رو مسخره می کنه!
- یارو با خوشحالی به دوستش میگه بالاخره این پازل رو بعد از ۳ سال حل کردم. دوستش میگه: ۳ سال زیاد نیست؟ میگه: نه بابا رو جعبه اش نوشته ۳ تا ۵ سال!
- به نفر میگن چرا زنبورها گل میخورن؟ میگه خوب حتما دروازه بانیشون خوب نیست!

درخت پاییزی

درود به دوستای گلم
وارد فصل زمستان شدیم. در این فصل
برگ درخت ها به رنگ زرد و نارنجی
در میاد و برگ ها خشک میشه و می
ریزه. حالا با هم یک درخت پاییزی
درست می کنیم.

برای این کار کاغذ های به رنگ زرد و
قرمز و نارنجی رو ببرید.
از کاغذ ها، روزنامه ها، کتاب های مختلف
که نیاز ندارید و کاغذهای کادو می تونید
استفاده کنید حتی می تونید کاغذها رو
رنگ کنید و شبیه برگ ببرید.

می کنید با رنگ قهوه ای تنه
درست کنین و مثل شکل زیر
بعد سعی کنید
درخت رو درست کنین
بچسبونید.

اینم درخت زیبای پاییزی

بچه های عزیز سعی کنید
تا این بچه ها را به بادبادک
برسانید.

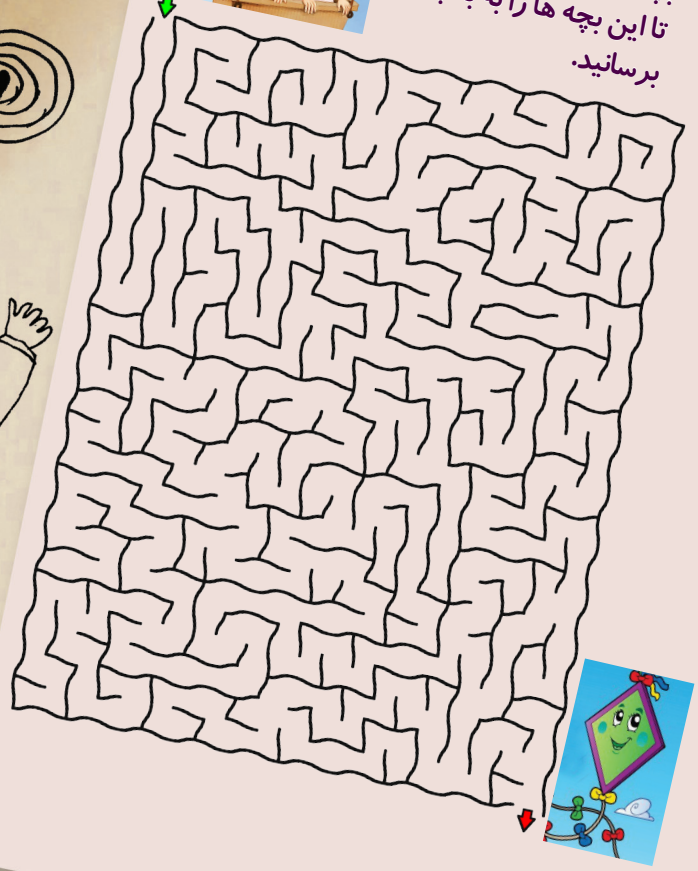

پارس نامه کودکان
شماره ۲۸ ● سال سوم ● آبان ۱۳۹۱
● مدیر مسئول : دکتراسفندیار اختیاری
● زیر نظر شورای سردبیری
● تصویرساز و صفحه آرا : شادی عبد شریف آبادی
تلفکس تهران : ۸۸۳۵۲۱۵۳ - ۰۲۱
پیام نگار : ۰۹۳۵۵۴۶۶۴۱۵